

# گفت و گو



عکس: علی محمدی/ایران

گفت و گوی «ایران جمعه» با محمد هاشمی رفسنجانی  
رئیس صداوسیما در سال ۱۳۶۸

## پشت صحنه رادیو تلویزیون برای پوشش ارتحال امام (ره)

سید پویا هاشمی حفظ آباد  
دبیر گروه گفت و گو



که مرجع اخبار برگزاری مراسم وداع، انتخاب رهبری، تشییع پیکر امام و... همه صداوسیما بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش و کارکرد صداوسیما تغییر کرد و طبیعتاً در جریان این تغییرات، هم اختلاف نظرها و هم سوءبرداشت‌هایی پیش می‌آمد. همه این اتفاقات بخشی از تاریخ شفاهی دهه ۶۰ و ۷۰ را تشکیل می‌دهد؛ ماجرای پوشش خبری پاره شدن کفن امام خمینی (ره) یا ماجرای اینکه دختری اوشین را الگوی خود می‌دانست. حالا خبرنگار ما، پای سخنان محمد هاشمی رفسنجانی نشسته تا بخشی از تاریخ ایران را مکتوب کند. در ادامه، مشروح این گفت و گو را می‌خوانید:

صداوسیما در دهه ۶۰ و تا نیمه‌های دهه ۷۰، مورد اعتمادترین رسانه ایران بود. این موضوع اعتقاد محمد هاشمی، رئیس سازمان صداوسیما در سال‌های ۶۸ تا ۷۲، است. نقش صداوسیما پس از پیروزی انقلاب برای مردمی که در دوره پیش از انقلاب، رادیو و تلویزیون را تحریم کرده بودند و گوش دادن و دیدن آن را حرام می‌دانستند، اهمیت زیادی داشت و مرجعی برای اخبار بود. حتی این روزها وقتی پای صحبت پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها که جوانی‌شان در دهه ۶۰ بود، می‌نشینی، می‌گویند فلان حرف را تلویزیون گفته و همین کافی است برای صحت خبر و حرف. آثانی که ارتحال حضرت امام خمینی (ره) را به یاد دارند، یادشان می‌آید

می‌خواهیم تاریخ شفاهی در آن بازه زمانی را مرور کنیم که شما ریاست سازمان صداوسیما را به عهده داشتید تا زمانی که به رحلت امام خمینی (ره) منتهی شد. اولین سؤال ما این است که در اواخر اردیبهشت ماه حضرت امام در بیمارستان بستری بودند و عمل جراحی داشتند. شما به عنوان رئیس رسانه ملی در آن زمان چطور از این خبر مطلع شدید و چه تدابیری برای پوشش رسانه‌ای بستری شدن امام در بیمارستان قلب داشتید؟

اصولاً اخبار حضرت امام از چند طریق به دست رسانه ملی می‌رسید و بخشی از این اخبار منتشر و پخش می‌شد و بخشی را هم آرشیو می‌کردیم. بخشی از اخبار هم گذرا بود. اگر امام خمینی (ره) سخنرانی داشتند، از سوی دفتر ایشان بازبینی و برای ما ارسال می‌شد. یک خبر از سخنرانی تنظیم و با هماهنگی و تأیید دفتر ایشان این سخنرانی‌ها پخش می‌شد. اگر دیداری هم بود، به همین صورت، اگر خبر آن قابل پخش بود، پخش می‌شد و گرنه در آرشیو نگهداری می‌شد.

حسینیه جماران کوچک بود؛ بیشتر از هزار نفر ظرفیت نداشت. اعیاد که می‌شد، مردم زیادی می‌خواستند که خدمت حضرت امام برسند و ایشان را ببینند. یک بار حسینیه جماران خیلی شلوغ بود. به سختی از لابه‌لای مسیر خدمت حضرت امام رسیدم و از ایشان خواستم که برای پخش مستقیم از جماران به ما اجازه بدهند. حضرت امام گفتند که نه. آن زمان ریگان رئیس جمهور امریکا بود. گفتند که «این ریگان که می‌خواهد صحبت کند، از ۱۸ فیلتر می‌گذرد. ممکن است من یک جمله بگویم، دنیا را به هم بریزد. صبر کنند یکی دو ساعت بعد ببینند.» اجازه پخش مستقیم ندادند. از طرفی حضرت امام درباره نحوه اخبارشان نظرات خوبی داشتند. مثلاً یکی این بود که می‌گفتند دیدار من با احمد (فرزندشان) چه خبری است که برای مردم پخش شود؟ یا اینکه یک بار به دیدار ایشان رفتم، جواب سلام را ندادند. گفتند که ابتذال را به اوج رسانده‌اید. پرسیدم که چه کرده‌ایم؟ فرمودند که نماز جمعه را مستقیم پخش می‌کنید، ظهر پخش می‌کنید، شب پخش می‌کنید. مردم چه تقصیری دارند؟ اخبار مربوط به حضرت امام از دو یا سه طریق به ما می‌رسید. یکی از طرف دفتر ایشان بود. مثلاً ایشان سخنرانی می‌کردند. این سخنرانی را خبرنگاران ما تنظیم می‌کردند. تیتراها با هماهنگی دفتر انتخاب می‌شد و پس از آن سخنرانی پخش می‌شد. اگر دیدار یا ملاقاتی بود، در صورت نیاز به پخش، روی آنتن می‌رفت. ما مستقیماً در جریان دیدارهای امام در جماران نبودیم. اخبار هم باید از یک مسیر و کانال به ما می‌رسید. افرادی مانند آقای ایزدی با دفتر امام همیشه در ارتباط بودند و اخبار را می‌گرفتند. جایی که نیاز بود خلاصه خبر منتشر می‌شد و جایی که لازم بود، مشروح آن. برخی اخبار پخش نمی‌شد. معمولاً در اخبار حضرت امام خبر اول بود؛ یعنی در تیترا اول اخبار مربوط به ایشان پخش می‌شد. اما دیدارها و ملاقات‌ها الزاماً خبر اول نبود. رابط خبری ما با دفتر امام، آقای محمد علی انصاری بود اما خبرهای مهم را از حاج احمد دریافت می‌کردیم؛ یعنی ارتباطمان با احمد آقا بود و خبرها را به صورت خام یا تنظیم شده از ایشان می‌گرفتیم و معمولاً برای پخش هماهنگ بودیم. نکته قابل تأمل و خوبی که بود، اینکه برخی مواقع که ما در صداوسیما درباره یک خبر، یا بخشی از خبر، می‌گفتیم بهتر

است پخش نشود، موضوع را به حضرت امام منتقل می‌کردیم و ایشان تأیید می‌کردند. مثلاً می‌گفتند که حرف خبر درست است و این قسمت را نمی‌خواهد پخش کنید. مسیری که ما برای انتشار اخبار داشتیم، به خود شخص حضرت امام منتهی می‌شود. احمد آقا نظرات نهایی را، به خصوص در خبرهایی که حساسیت داشت، با خود امام مطرح می‌کرد و نظرات امام مستقیماً به ما منتقل می‌شد.

در هفته‌های پایانی حیات امام و بستری شدن ایشان، اخبار از دفتر ایشان و خود احمد آقا به شما رسید؟

تمام مسیر خبری ما از طریق رابط دفتر، یعنی آقای محمد علی انصاری بود که بعد در خبرهای روزانه و معمولی، از طریق ایشان اخبار را دریافت می‌کردیم، اما نهایی کردن یک خبر با حاج احمد آقا بود. موضوع بیماری امام، موضوعی نبود که از جهانبیان پوشیده باشد. ایشان در ۹۰ سالگی بودند، قبلاً یکی دو بار بیمارستان رفته بودند، پزشک خصوصی داشتند و... بنابراین خبر بیماری ایشان، خبری نبود که برای مردم مطرح نباشد. رسانه‌های گروهی جهان برای روزهای پس از ایشان، خیلی آماده بودند. آنان تصور می‌کردند که اگر امام رحلت کنند و نباشند، انقلاب از هم می‌پاشد و بقیه بخش‌های کشور هم از هم می‌پاشد. یعنی به این موضوع امید بسته بودند که با رحلت امام، انقلاب شکست بخورد. وقتی که حضرت امام بیمار می‌شدند، یا خبر بیماری ایشان مطرح می‌شد، رسانه‌های امریکایی‌ها غوغا می‌کردند و درباره اینکه اگر ایشان نباشند، کشور از هم می‌پاشد، حرف می‌زدند. البته واقعیت این است که در میان خبرنگاران و مسئولان نظام که با آنها ارتباط داشتیم در افرادی مانند رئیس جمهور و رئیس مجلس و افراد مختلف هم نگرانی‌هایی وجود داشت. به گونه‌ای که مردم آنقدر به امام علاقه داشتند که در نبود ایشان، هر حادثه‌ای می‌توانست اتفاق بیفتد.

سؤال من درباره پیش‌بینی‌های شما درباره بستری شدن حضرت امام است. چون پس از جراحی، در رسانه ملی از مردم خواسته شد که برای سلامتی ایشان دعا کنند. پیش‌بینی شما برای آن وضعیت چه بود؟

مردم به صدا و سیما اعتماد داشتند، طبعاً درست است. رادیو و تلویزیون از مردم خواست که برای سلامت امام دعا کنند ولی معمولاً اخبار منفی راجع به امام را کمتر پخش می‌کردیم. نمی‌گفتیم که حال امام بد است یا ایشان در روزهای آخر عمرشان هستند! مردم خیلی نگران امام بودند. باید به گونه‌ای در رسانه ملی مطرح می‌شد که مردم خیلی نگران نشوند و به شرایط کشور اطمینان داشته باشند. از زمانی که حضرت امام تحت عمل جراحی قرار گرفتند، ما گزارش اخبار گروه پزشکی ایشان را به صورت مرتب در اخبار پخش می‌کردیم و دائم وضعیت امام را به مردم اطلاع می‌دادیم. معمولاً دکتر عارفی به عنوان سرتیم پزشکی می‌آمدند.

آنها تیم مستقر در بیمارستان بودند و اگر لازم بود ما برای گزارش به آنجا می‌رفتیم. ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۱۳ خرداد بود که از بیت امام زنگ زدند که بیایید دفتر. جلسه مختصری بود که گفتند حال امام خیلی بد است. همان موقع کمیته خبری تشکیل شد. من نماینده رادیو و تلویزیون بودم. در این جمع صحبت این بود که بالاخره امام رفتنی هستند و باید برای مطرح کردن موضوع در جامعه آماده باشیم.